

سلماس واقع در سرزمین پهناور آذربایجان از نظر اداری تابع استانداری آذربایجان غربی به مرکزیت شهر ارومیه می باشد . طبیعت چندگونه ، کوههای سرسبز و پر آب سلماس سبب شده است در هزاره های قبل از میلاد این شهر ماوای گروهی از انسانهای باستانی شود که دانشمندان تولنسته اند با اکتشاف و مطالعات باستانشناسی خود حضور انسانهای نئاندرتال پیشرفته را در کوهها و غارهای نزدیک سلماس ثابت کنند . مثلا پروفیسور کارلتون در سال 1919 م . طی تحقیقاتی غارهای ((تام تاما)) و ((داوار زاغاسی)) که در کوهستانهای نزدیک سلماس است را مکان اولیه استقرار بشر در دهها هزار سال قبل اعلام نماید . از دیگر روحيات فرهنگي مردمان باستان سلماس مطالعات باستان شناسی در تپه های باستانی سلماس به کرات تایید شده است . باستان شناسان توانسته اند در یابند که قدیمی ترین دهکده باستانی خاورمیانه در سلماس قرار دارد آنهم با قدمتی در حدود نه هزار سال قبل از میلاد . از دیگر سو این دهکده مکان صنعتی تمدن آذربایجان نیز بوده است . بدین نحو که مردم باستان ساکن این دهکده یازده هزار ساله با وارد کردن نوعی سنگ خاص به نام اوبسیدین از معادن نزدیک سلماس آنها را تبدیل به آلات و ابزار برنده و جنگی کرده و از آنها استفاده و یا گاهی به سایر مناطق صادر می کردند . وجود شواهدی از قبیل اوبسیدین های بران در منطقه هوره ر (موراوغلو قالاسی) نشان دهنده استقرار تمدن هم سطح با کول تپه یازده هزارساله سلماس در سلماس می باشد .

به تحقیق اولین قوم مشخص در سلماس اقوام سومری بودند که به استناد کاوشهای اخیر باستان شناسان و همچنین کتیبه های مختلف سومری ها ی

ساکن بین النهرین ، بانی تمدن بسیار مشهور و سرتاسری اریه ته / آرتا در پنج – شش هزار سال قبل آذربایجان بودند . اولاد سومریان پروتوتورک (ترکان باستان) ساکن در آذربایجان و سلماس بعدها تمدن عظیم سومری بین النهرین را بوجود آوردند. بر طبق مطالعات و تحقیقات زبان شناسان کلمه اریه تا / آرتا در زبان ترکی باستان به معنی کوزه و مکان مرتفع می باشد . بعدها در تاریخ سلماس اقوام موردی که از خویشاوندان نزدیک سومری ها بودند و در پرورش اسب معروفیت داشتند و سپس گوتی ها و ترکان آس که احتمالاً نام سلماس از این نام مشتق شده است همگی در سلماس قدیم موجد تمدن بسیار پیشرفته در اعصار خیلی قبل حدود چهار ، پنج هزار سال قبل بودند . در دوران بعد اقوام و قبایل ساکن آذربایجان به دنبال تهاجمات آشوریها برای مقابله با این دولت خونریز و متهاجم دولت عظیم ، متمدن و با سازمان اوراتورها بوجود آوردند که در سایه اقدامات این حکومت ، سلماس که آن زمان اولهوه نامیده می شد توانست به حداکثر پیشرفت زمان خویش برسد . آب رودخانه زولا و دیگر شعبات آن به وسیله کانالهای آب به کشتزارهای تاک و باغهای میوه پربار کشیده شد . زمینهای پهناور به چراگاهها تبدیل شدند. اشتران و چهارپایان آن در سراسر جهان آوازه یافت . انبارهای غله بزرگ احداث شد کاخ شاهي الهور (سلماس) در کنار رود زولا ساخته شد و دیوارهای سنگی برای محافظت از نهر اولهوه بر پیرامون آن کشیده شد در سایه مطالعات دانشمندان امروزه می دانیم که ساکنان آن روزگار آذربایجان در دوران اوراتورها در حدود سه هزارسال قبل ابداع کننده فن برای دستیابی به آب می باشند .

شهر و مدنیت وسیع اولهوه در اثر حمله دولت آشور نابود گشت و دیوارهای سنگی نهر به ضرب کلنگ و شمشیر چون کوزه گلین ویران و با خاک یکسان شد . انبارهای غله و چوب غارت شد و به آشور برده شد . باغ ها ویران و

درختان بریده و به آتش کشیده شد. کشتزارها چنان ویران گشت که يك خوشه نیز بر آنها نماند .

چمنزارها زیر سم ستوران و گاه لشکریان لگد مال شد . بدین ترتیب ضربه وارده به پایتخت دوم اوراتور ((سلماس یا الهو(اولخو))) به قدي سريع ، سخت و گیج کننده بود که تا صدها سال بعد شهر سلماس نتوانست آسیب های ناشی از این ضربات را جبران نماید بطوریکه بعدها شهر سلماس به احتمال قوی در دوران حکومت آذربایجان (سلسله آذربایجان) روی آبادانی به خود دید . پس از چندین دهه عدم اطلاع از اوضاع سلماس به اسناد نوشته های ((استرابون)) در سال 20 میلادی در می یابیم که سلماس تحت عنوان ((سیمباسا)) و یا ((سیمباکا)) ظاهر شده که ظاهراً تحریفی از کلمه سلماس به زبان رومی است . به نوشته وی ، سلماس در آن دوران بین حکومت های آذربایجان و رومی ها دست به دست می گشته بطوریکه این رد و بدل ها سبب آسیبهای جوی به سلماس آروزگار و به تبع آن رکود صنعت و هنر در سلماس شد .

همزمان با حکومت آذربایجان در سرزمین آذربایجان ، دولت دیگری در ترکمنستان و شمال خراسان توسط سکاهاي ترك بوجود آمد که مورخین به استناد به نام موسس آن ((اشك)) آنها را حکومت اشکانیان نامیدند این حکومت بعدها ضمن بسط دایره حکومت خود به مرزهای آذربایجان رسیده و بتدریج توانست این سرزمین را نیز تصرف کند . اشکانیان سرزمینها متصرفی را به صورت ملوک الطوائفی یا فدرالیته اداره می کردند. با کشته شدن اردوان در سال 224م . امپراتوری اشکانی متلاشی شده و تیر داد نامی که خسرو اشکانی نیز نامیده می شد توانست حکومت و استقلال آذربایجان را دگر باره احیاء کرده با رومی ها پیمان دفاعی ببندد.

بعدها اردشیر موسس دولت ساسانیان به فکر تصرف آذربایجان افتاد ولی

خسرو فرمانروای آذربایجان مدت سی سال تمام در برابر اردشیر و قشون وی ایستاده تا اینکه وی در اثر توطئه اردشیر کشته شد و سپاه ساسانی به راحتی آذربایجان را تصرف کرد که یادگار این قشون کشتی کتیبه مشهور ((خان تختی)) سلماس می باشد .

از مهمترین حوادث پس از تصرف آذربایجان توسط ساسانیان ورود ترکان خزر و ترکان هون به آذربایجان و سلماسی می باشد که در تاریخ و تمدن و فرهنگ امروز سلماس نقش فراوان دارند. امروزه زبانشناسان می دانند کلمه هوده ر تحریفی از کلمه خزر می باشد . حفاری های باستان شناسان در هفتوان تپه سلماس آثاری از این دوران را به نمایش می گذارد که جالب ترین آنها دو عدد آینه شیشه ای بی نظیر است که از گورهای (کورقان) اوایل دوره ساسانیان در سلماس کشف شده است . این اشیاء امروزه در موزه های بریتانیا نگهداری می شود.

با ظهور اسلام ، سلماس وارد دوران نوین تاریخ و فرهنگ خویش می گردد . در سایه این دین نوظهور ، سلماس صدها شخصیت علمی ، ادبی و دینی به جامعه گسترده اسلامی تقدیم نمود . در سال 20 ه . ق سلماس به تصرف عتبه بت فرقه عرب در آمده و متعاقب آن جمع کثیری از اعراب مسلمان وارد سلماس و آذربایجان شدند و با اینحال زبان عربی علیرغم داشتن پشتوانه قوی مذهبی ، نتوانست به زبان ترکی مردم آذربایجان فائق آید ولی طبیعی است آثار خویش را به عنوان مبادله دو فرهنگ در زبان ترکی نشان داد کما اینکه این آثار در زبان عربی نیز دیده می شود . با این حال کم کم زبان و فرهنگ عربی در میان فرهنگ ترکی حل شده بطوریکه امروزه هیچ اقلیت عربی در آذربایجان دیده نمی شود .

همزمان با قیام بابک ، سلماس و قلاع اطراف آن به تبعیت وی درآمدند و بدین

ترتیب بابك و مردم آذربایجان به مدت حداقل بیست سال متمادی در برابر قشون اعراب به مقاومت پرداختند ، لیکن این امر دیری نپائید و بابك دوباره توسط اعراب دستگیر و بعدا کشته شد . صد سال پس از قیام بابك دوباره آذربایجان سعی در استقلال از بغداد نمود . در این کوشش ها سلماسیان نیز نقش فراوان داشتند . در تاریخ می بینیم سلماس گاه به تصرف سالاریان ، گاه به تصرف حمدانیان در می آید.

در عصر ترکان سلجوقی آخرین موج ترکان اوغوز به ، آذربایجان وارد و بدین ترتیب خزینه های فرهنگی آذربایجان پربارتر شده و زمینه برای خلق آثار و نوشتن ههای مزین ادبی ، دینی و هنری در آذربایجان مساعدتر شد . محققینی همچون اورخان شایبق و گیزی اوغلو معتقدند که در تقسیم بندی اوغوزان ، سلماس همراه با ارومیه و وان جزو دیش اوغوز (اوغوز بیرونی) محسوب می شد . امروزه از ترکان اوغوز قبیله های : قایی ، پایای ، افشار ، و چینی (ترکان کوره سنی یا در اصل کیره سون لو – کیره سون منطقه ای در آناتولی) در ترکیب مردم سلماس نقش دارند.

مهمترین عصر فرهنگی آذربایجان تا استیلای مغول دوران حکومت اتابکان (آتا بیگهای) آذربایجان می باشد . گرچه وقوع جنگ های گسترده طبیعی مانع رشد جدی صنعت و هنر در سلماس شد ولی در عین حال سلماس به علت قرار گرفتن در شاهراه تبریز – بیزانس به عنوان يك شهر مهم بازرگانی عمل می کرد . در کتب تاریخی از قالی های عالی سلماس ، پارچه های ماهوتی ، مخمل روبالشی ، سفره ، پرده ، جانماز ، ارخالیق ، کمر و قورشاق و از صنایع مسی فلزی در سلماس به عنوان يك صنعت با ارزش یاد می شد و صادرات ظروف مسین سلماس از اهمیت زیادی در جهان اسلام برخوردار بود.

در سال 619 ه . ق سپاه مغول به آذربایجان رسیده و گروهی از آنان به

فرماندهی چپه نویان به سلماس حمله کرد و از آنجاییکه اهالی سلماس قبول تبعیت از مغولان نکردند ، مغولها پس از تصرف سلماس آنجا را با خاک یکسان کردند . یکصد سال بعد از تصرف سلماس توسط تاج الدین علیشاه وزیر غازان خان مرمت می شود . حمدالله مستوفی از تاریخ نگاران این عصر اشاره می کند که محیط سلماس در آن زمان هشت هزار گام بود . از آثار دیگر این دوران ، مقبره زن تاج الدین علی شاه که در سلماس به نام مینار مشهور بود و عاقبت در زلزله ویرانگر 1309 شمسی سلماس منهدم شد .

پس از تزییع ایلخانان به ترتیب آل جلایر ، امیر تیمور و قره قویونلو ها و آق قویونلو ها سلماس را در دست داشتند و به تدریج با حکومت سلطانی فرهنگ دوست اوزون حسن ، بر آذربایجان ، زمینه برای رشد صوفیان و تاسیس سلسه صفویه در آذربایجان آماده شد . در زمان وی قرآن به زبان ترکی ترجمه شد و قلعه هایی در سلماس مرمت شد از جمله قلعه مستحکم گورچین قالا در کنار دریاچه ارومیه .

با تاسیس دولت صفویه در آذربایجان ، تنش های دولت های صفوی و عثمانی ، آسیب های جدی به سلماس وارد می گردد که به تدریج هستی از سلماس بر می کند و در این جنگها بود که به سبب

اوضاع نا مساعد سیاسی و امنیتی سلماس متروک و مخروبه گردیده و آنچه در منابع تاریخی اواخر صفویه و استیلای کریم خان زند و حکومت افشارها و سایر کتب مربوط به تاریخ ' آذربایجان تحت عنوان سلماس بی شک اهمیت و شکوه و عظمت قبلی شهر سلماس سبب تثبیت نام سلماس در طی تاریخ بوده است .

از مهمترین وقایع فرهنگی سلماس استقرار شاخه ای از ترکان اوغوز تحت عنوان گیره سون ها (کوره سنیها) در مناطق غرب سلماس و استقرار گروهی

از ترکان لکدر در مشرق سلماس مي باشد . جمع کثيري از نويسندگان ، شاعران و مشاهير سلماس از اين ترکان لک مي باشد .

در اوایل قاجار احمد خان دونبولي دور قصبه ديلمقان را حصار کشيده و شش دروازه بنا نهاد و آنجا را شهرچه اي ساخت و دکاکين و حمامات و مساجد عمارات عاليه در آنجا بنا نهاد و ديلمقان را مرکز سلماس عصر قاجار کرد .

سلماس با ورود به دوره قاجاربه وارد موقعيت ممتازي شده علاوه بر تثبيت کامل ادبيات ' فرهنگ و هنر آذربايجان در سلماس موجب بارور شدن استعداد او با شعرا و رجال سياسي در عهد قاجار شد . عليرغم اين موقعيت زيباي فرهنگي و ادبي سلماس ، حوادث دردناکي در سلماس آنروزگار به وقوع پيوست که اختصارا به آنها اشاره مي گردد .

مهمترين حادثه دوران نخست قاجاربه تهاجم روسها به آذربايجان و تصرف سلماس در دور دوم تهاجمات بود که در طي اين تهاجمات بود که در طي اين تهاجمات سلماس به اشغال روس ها در آمد تا اينکه عباس ميرزا نايب السلطنه با پرداخت شانزده هزار تومان توانست روس ها را از سلماس بيرون کند . تبعيد علي محمد باب به سلماس و زنداني شدن وي در قلعه چهریق سلماس و طغيان اشرار به سرکردگي محمد آقاجد اسماعيل آقا و تهاجمات و غارت آنها در سلماس و روستاهاي محال کوره سين لي سلماس از مهمترين حوادث قبل از مشروطه سلماس مي باشد .